

شبیه سازی انسان^۱

○ سید کاظم حائری

چکیده

در این متن ابتدا موضوع شبیه سازی (کلونینگ) با استناد به نظر کارشناسان، تبیین و اقسام سه گانه «شبیه سازی عضو»، «همزاد سازی»، «شبیه سازی انسانی» از هم متمایز شده است. سپس در دو محور به بررسی حکم فقهی این موضوع پرداخته شده است: نخست اینکه خود عملیات شبیه سازی و دیگری اینکه نتیجه ای که از این عملیات حاصل می شود، از نظر شریعت چه حکمی دارند؟ در این بخش با بیان فرض ها و صور مختلفی، حکم فقهی هر یک به استناد ادله شرعی بیان شده است. کلید واژگان: شبیه سازی، همزاد سازی، سلول، تخمک، کروموزوم، رحم، مادر حقیقی، مادر شرعی.

*

۱. این بحث ابتدا به صورت گروهی در میان اعضای مجمع علمی فقه اهل بیت (ع) مطرح شد. اساس آن، بحث های آیت الله محمد مؤمن (حفظه الله) بود که در اینجا خلاصه آن را با چند تغییر عرضه می کنم: اولاً، مقدار زیادی از مباحث را حذف کردم. ثانیاً، غیر از نصوص، عبارت های بسیاری را تغییر دادم. ثالثاً، در موارد اختلافی، دیدگاه خود را آورده ام.

بخش اول: موضوع شبیه سازی

امروزه علم ژنتیک توانسته است گیاه یا حیوان و یا عضوی از انسان را از راه های مختلف شبیه سازی کند که در نهایت، به شبیه سازی خود انسان می انجامد. در تبیین این انقلاب علمی بزرگ ذکر چند مقدمه لازم است:

مقدمه نخست: جسم مادی انسان و حیوان از اجزای کوچک و به هم پیوسته ای تشکیل می شود که آن را سلول می نامند. هر سلول غشای خاص و هسته ای در میان دارد. این هسته به منزله مغز سلول است که ماده سیالی در پیرامون آن به نام مایع سلولی یا همان سیتوپلازم وجود دارد. داخل هسته شبکه ای متشکل از ۴۶ بند وجود دارد که از آن به عنوان کروموزوم ها تعبیر می شود. همه سلول ها همین تعداد کروموزوم دارند، مگر سلول های جنسی - یعنی سلول های منی مرد و سلول های تخمک زن - که غشا و مایع سلولی «سیتوپلازم» و هسته را دارند، ولی هسته های آن ۲۳ کروموزوم دارد، نه ۴۶ کروموزوم.

مقدمه دوم: تکون انسان یا حیوانی که به صورت طبیعی از مادر به دنیا می آید، بر اثر درهم آمیختن منی پدر و سلول تخمک مادر در داخل رحم است. در این اختلاط، سلول جدیدی پدید می آید که ۴۶ کروموزوم دارد، این تعداد، مجموع کروموزوم های سلول منی و تخمک است. این سلول از داخل رحم تغذیه می کند و تکثیر می یابد. ابتدا به دو سلول تقسیم می شود، سپس به چهار سلول، بعد به شانزده و پس از آن به ۳۲، و دیگر به این صورت تکثیر نمی شوند، بلکه هر سلول کار ویژه ای را بر عهده می گیرد و هر کدام عضوی از اعضای بدن را پدید می آورد؛ برخی از آنها پوست، برخی گوشت، و برخی دیگر استخوان یا مغز یا قلب را به وجود می آورند. گویا در هریک از این سلول ها فقط مبدأ همان عضوی که مأموریت ایجاد آن را داشته است، قرار داده شده است. سپس جنین به طفل کامل

تبدیل شده، مادر آن را در قالب انسان یا حیوان کامل به دنیا می آورد.

مقدمه سوم: زمانی که جنین خلقت کامل یافت، هر عضو از اعضای آن، از سلول های مشابه به وجود می آیند. بنابراین تکون و رشد یافتن و بزرگ شدن پوست، از سلول های پوستی است که هر چند شبیه سلول های دیگر هستند اما فقط به ساخت پوست اختصاص دارند. سلول های دیگر اعضا مانند کبد، قلب و... نیز گرچه به سلول های دیگر شبیه اند، اما هر کدام مخصوص ساخت همان عضو است. به عبارت دیگر، همه ۴۶ کروموزوم با آنکه کاملاً به هم شبیه اند، هر یک در مقام عمل و تاثیر، تنها آنچه را که مورد نیاز آن عضو - مثلاً پوست - است، انجام می دهد.

مقدمه چهارم: با پیشرفت علم این نکته کشف شده است که این کروموزوم ها در تمام صفات وراثتی و خصوصیتی که به یک نوع یا فرد اختصاص دارد، دخالت دارند. بنابراین کروموزوم ها همانند مغز برای سلول ها و حامل همه خصوصیات یک فرد کامل از انسان یا حیوان هستند و فرقی نمی کنند که تکثیر و زاد و ولد آن به شکل طبیعی باشد، یا مصنوعی.

مقدمه پنجم: مقصود از شبیه سازی در اینجا، معنای مطابقی آن است؛ یعنی به وجود آوردن نسخه دوم همانند نسخه اول از نو و در قالبی دیگر با همان خصوصیت های قبلی. در زبان لاتین به آن «کلونینگ» گفته می شود. کلونینگ برگرفته از کلمه یونانی «کلون» است و کلون به معنای شاخه ای از درخت است که آن را می کارند و پس از چندی به درخت کامل تبدیل می شود. البته پدیده جدیدی که از طریق شبیه سازی به دست می آید، گاهی به عضوی که سلول از آن تکثیر شده و گاهی به انسان یا حیوانی که سلول از آن گرفته شده است، شباهت دارد. به عبارت دیگر، گاهی یک عضو را شبیه سازی می کنیم و گاهی یک انسان و حیوان کامل را، و نسخه دوم شبیه همان عضو یا انسان یا حیوان اول است.

مقدمه ششم: شبیه سازی سه قسم است:

قسم اول، شبیه سازی عضو: انقلاب علم ژنتیک به این نتیجه رسیده است که ممکن است یک سلول از عضوی را با ابزارهایی جدا سازیم و آن را در دستگاه‌های ویژه‌ای قرار دهیم و با ابزاری دیگر به آن غذا دهیم تا به سلول‌های همانند بیشتر و متصل، تکثیر گردد و سپس به قطعه‌ای پوست یا عضو دیگری که سلول از آن گرفته شده، تبدیل شود و مثلاً پوست تازه‌ای به دست آوریم که نسخه دوم از همان پوست اصلی است. از این عضو جدید می‌توان در معالجه همان عضو یا معالجه شخصی که سلول از آن گرفته شده، استفاده کرد؛ به طوری که بدن فرد معیوب یا مقطوع العضو، عضو جدید را به خاطر مشابهتی که با عضو سابق دارد، می‌پذیرد و سلامت خود را بازی می‌یابد.

البته برخی این قسم را چون نتیجه آن انسان یا حیوان کامل نیست، از عنوان شبیه سازی خارج می‌دانند.

قسم دوم، همزادسازی: دانستیم که تخمک زن پس از تلقیح با منی مرد در رحم، تکثیر و تبدیل به دو سلول، سپس چهار سلول، بعد هشت و شانزده سلول می‌گردد. هریک از این سلول‌ها در یک غشا قرار دارند که همه آنها را در بر می‌گیرد و هریک از این سلول‌ها دارای غلاف و ماده سیال و هسته هستند که کروموزوم‌ها را در خود جای داده است. پیشرفت علم موجب شده است که شکافتن این غشایی که همه سلول‌ها را پوشانده است امکان‌پذیر شود و سلول‌های تکثیر یافته را از هم جدا کرده و هریک را در غشای جدیدی قرار دهند - گفته شده این ماده از برخی مواد دریایی گرفته می‌شود - در نتیجه، هر سلولی نسخه دوم از سلول قبلی می‌شود و در محیط مناسب یعنی رحم شروع به تکثیر می‌کند تا تعدادشان به ۳۲ تا برسد، سپس رشد کرده و به فرزند کامل تبدیل می‌شوند. این فرزندان در همه صفات و خصوصیات مانند یکدیگر و جفت‌های مشابه‌اند، ممکن است هریک از آنها را در رحم زنی قرار دهند تا به یک فرزند کامل تبدیل شوند،

همچنان که می توان برخی از آنها را در رحم زن قرار داد و برخی دیگر را به صورت جامد نگهداری کرد تا مثلاً بعد از دو سال در رحم زن قرار گیرند و در نتیجه دو یا چند فرزند شبیه یکدیگر گردند و هریک عین دیگری شود؛ به طوری که هیچ فرقی بین آنها نباشد، مگر آنکه یکی از نظر سن بزرگ تر از دیگری است.

نکته دیگر در این باب آنکه هسته های سلول به همراه کروموزوم هایش در مایع سلولی (سیتوپلازم) غوطه ورنند و از آن تغذیه می کنند، بنابراین سیتوپلازم صرفاً غذاست. دکتر حتحوت در «رساله شبیه سازی بشر» می گوید:

هر جسم از مجموعه سلول ها تشکیل شده؛ همانند ساختمان که از قطعه سنگ ها یا قالب های آجر ساخته شده است. درون هر سلول هسته هایی وجود دارد که راز حیات این سلول ها هستند. در محیط هسته ها غشای هسته ای وجود دارد که در داخل خود محتوی شبکه ای متشکل از ۴۶ نوار با رنگ های تند است، به همین جهت، به این اجسام رنگی «کروموزوم» گفته می شود. در سایر فضای بین هسته و دیواره سلول، ماده سیالی معروف به مایع سلولی (سیتوپلازم) وجود دارد. اجسام رنگی یعنی ۴۶ کروموزوم، حامل صفات وراثتی هستند که در قالب واحدهایی از جنس اسید هسته ای قرار دارند و ژن نامیده می شود. ژن ها ترتیب خاصی دارند و به حرف هایی می مانند که کلمات را می سازند و از این کلمات یک رساله تألیف می شود. همچنین صفات وراثتی که برای هر فرد وجود دارد، مخصوص به آن فرد است و هیچ همانندی میان دیگر انسان ها در هیچ زمان و مکانی، ندارد.

تکثیر سلول به روش تقسیمی است. هر نواری از این اجسام رنگی، در طول، به دو نیمه تقسیم می شود، هر نیمه از آن با دریافت مواد لازم از مایع اطراف خود را کامل می کند. به همین صورت دو دسته از اجسام رنگی به وجود می آیند که هریک غلاف هسته ای به خود می گیرند و دو قلوهایی

می شوند که مایع سلولی را به دو قسمت تقسیم می کنند و پیرامون هریک از آنها غشای سلولی پدید می آید. با این روش، هر سلول به دو سلول تبدیل می شود و به همین صورت نسل های متوالی از سلول های مشابه پیدا می شوند.^۲

حتحوت درباره سلول های جنسی می گوید:

سلول های جنسی، از سلول های منی جدا شده از تخم مردان و تخمک جدا شده از تخمدان زنان به وجود می آیند. این سلول ها همانند سایر سلول ها هستند، تنها یک ویژگی در آنها وجود دارد که در دیگر سلول ها نیست: آنها در تقسیم نهایی که برای باروری آماده می شوند؛ به دو جزء کروموزومی تقسیم نمی شوند که هر جزء از آن، خودش را کامل سازد، بلکه به صورت اجسام رنگی، سالم باقی می مانند، نصف آن جدا می شود تا هسته یک سلول و نصف دیگر آن هسته سلولی دیگر شود. بنابراین سلول جدید از ۲۳ عدد کروموزوم تشکیل می شود، نه ۲۳ جفت. به همین خاطر به این تقسیم، تقسیم اختصاری گفته می شود. گویا هسته از جهت نتیجه ارثی، نصف هسته است.

منظور آنکه وقتی سلول منی، سلول تخمک را با شکافتن دیواره تخمک، بارور می کند، دو هسته آنها به یک هسته تبدیل می شود که دیگر سلول های انسانی دارای ۲۳ جفت کروموزوم است. دو سلول مذکور گویا دو جسم اند که با ترکیب خود، یک سلول جدیدی را که همان تخمک بارور شده است، پدید آورده اند و این مرحله نخست تکوین جنین است.

سپس دکتر حتحوت فرق بین تکثیر سلول های جنسی و سلول های جسمی را این گونه توضیح می دهد که تخمک تلقیح شده، شروع به تقسیم می کند تا به تعداد

۲. رساله «شبه سازی بشر»، ص ۲.

معین از سلول‌های مشابه می‌رسد. وقتی به یک دسته ۳۲ تایی رسید، نسل‌های بعدی از این سلول‌های تکثیر شده براساس کارکردهای تخصصی تقسیم شده و هر یک وظایفی خاص را انجام می‌دهند و سلول‌های اعضای مختلف بدن را به وجود می‌آورند و جنین رشد می‌کند.^۳

با این توضیحات معلوم می‌شود اگر زنی که در سیتوپلازم او نارسایی وجود دارد، پس از همبستری با شوهر خود، هسته تخمک تلقیح شده او را در تخمک بدون هسته زن دیگری قرار دهند تا جنین از سیتوپلازم سالم او استفاده کند، مادر حقیقی این جنین، زن نخست است و زن دوم که صاحب سیتوپلازم است مادر جنین نیست؛ زیرا سیتوپلازم صرفاً غذا بوده و سلولی که در رحم زن دوم رشد کرده، با هسته تخمک زن اول بوده است.

قسم سوم، شبیه‌سازی: آن است که سلول تخمکی را که تلقیح نشده است، از زن گرفته و هسته آن جدا شود و از ناحیه دیگر، سلولی از اعضای یک مرد یا زن را - اگر چه همان زن صاحب تخمک باشد - مثلاً سلول پوست او را جدا کنیم و آن را در تخمکی قرار دهیم که هسته آن جدا شده بود، سپس سلول تشکیل شده را درون رحم زن قرار دهیم تا شروع به تکثیر کند و به ۳۲ سلول برسد و پس از آن به مراحل رشد جنین برسد، طفلی به دنیا می‌آید که از همه جهت و از هر حیث، نسخه دوم از همان انسانی است که سلول پوست را از او گرفته بودیم.

سلول تخمک زن، ۲۳ کروموزوم دارد و نمی‌تواند تکثیر پیدا کند و به مرحله جنین کامل برسد، ولی عضوی که سلول آن را گرفته‌ایم، دارای ۴۶ کروموزوم است بنابراین اگر آن را به جای هسته سلول تخمک قرار دهیم، سلول به دست آمده از این دو، می‌تواند تکثیر یابد و به مرحله جنین کامل برسد و به صورت طفلی از مادر متولد شود.

از بیان کارشناسان^۴ چنین به دست می آید که تخمک زن پس از تخلیه هسته آن، سلول جسم دیگری به منزله هسته در آن قرار می گیرد و با منی مرد تلقیح نمی شود، پس چگونه انسان شبیه سازی می شود؟

مراحل و روش شبیه سازی انسانی

۱. سلول های انسانی به مقداری که برای شبیه سازی لازم است، پرورش داده می شوند.

۲. سلول ها به دستگاه هایی که در مرحله ابتدایی به کار می رود منتقل می شوند (شبیه سازی گوسفند، نمونه مناسبی است برای پی بردن به مدت زمانی که در این مرحله لازم است). در این حالت به سلول ها این امکان داده می شود که بدون تکثیر شدن، زنده بمانند و به اصطلاح وارد مرحله استراحت می شوند. شاید در این مرحله است که سلول ها ویژگی ها و تمایزات خود را از دست می دهند و به حالت توانایی اولیه خود می رسند؛ یعنی هریک از آنها توانایی تبدیل به انواع مختلف از سلول ها پیدا می کند.

۳. در هنگامی که سلول های کاشته شده در حالت استراحت قرار گرفته اند، یک سلول تخمک انسانی بارور نشده را فراهم می کنند و هسته آن را با کمترین صدمه از آن جدا می کنند.

۴. یکی از سلول های کامل شده در حالت استراحت را در داخل غلاف پیرامون تخمک که به آن حلقه شفاف گفته می شود و به تخمک چسبیده است، قرار می دهند.

۵. شوک الکتریکی به تخمک وارد می شود. شوک الکتریکی موجب در

۴. دکتر احسان تحتوت، همان. دکتر داود سلیمان سعدی در کتاب «شبیه سازی از نظر علم تجربی و فقه».

آمیختن این دو سلول به هم می شود؛ به گونه ای که اگر شوک کافی باشد، می توان در نگاه به سلول ها متوجه این موضوع شد. اعتقاد بر این است که برنامه ژن های جنینی با ورود علائم پروتئینی به تخمک، آغاز می شود. البته شوک الکتریکی از طریق غشای هسته نیز موجب تحریک این علائم پروتئینی می شود. شوک الکتریکی یک راه مرسوم برای راه یابی واحدهای «DNA» به دیواره سلول است.

۶. سه مرحله اخیر بر حسب ضرورت، به مقداری که نیاز باشد، تکرار می شود تا به اندازه کافی نسخه های لازم به دست آید. این انتظار را باید داشت که به خاطر صدمه ای که به سلول ها وارد می شود و یا به واسطه حوادث دیگر، بسیاری از این سلول ها از بین بروند. در هنگام کاشت سلول تخمک، این امکان به جنین ها داده می شود تا رشد کنند و به دفعات اندک تکثیر شوند.

۷. جنین ها در رحم مادران انسانی کاشته می شوند تا آن را حمل و در زمان طبیعی زایمان کنند.^۵

بخش دوم: حکم فقهی شبیه سازی

حکم شبیه سازی از دو جهت جای بحث دارد: یکی آن که خود شبیه سازی در شریعت اسلام چه حکمی دارد؟ و دیگری آنکه نتیجه ای که از عملیات شبیه سازی به دست می آید، چه حکمی دارد؟

اول: حکم عملیات شبیه سازی

شکی نیست که در عملیات شبیه سازی باید از محرمانی که ممکن است با شبیه سازی همراه باشد، اجتناب کرد؛ مثل لمس بدن مرد یا زن نامحرم برای گرفتن

۵. دکتر داود سلیمان سعدی، شبیه سازی از نظر علم تجربی و فقه، به نقل از دکتر سیلگر از متخصصان مشهور شبیه سازی.

سلول، یا نگاه به قسمتی از بدن که نگاه کردن به آن حرام است. البته این احکام جدا از حکم ماهیت شبیه سازی است و عدم رعایت آن، موجب حرمت خود شبیه سازی نیست.

بلی، در مورد شبیه سازی تقلیدی از انسان شاید بتوان گفت که اگر این کار به صورت گسترده انجام گیرد، موجب هرج و مرج در جامعه می شود؛ مثلاً ممکن است در موارد زیادی در شناخت مجرم اشتباه شود، یا ارتکاب جرم زیاد شود، یا جرم ها، همیشه پنهان بماند و یا مواردی دیگر از این قبیل. لکن این مشکل هم در زمانی رخ می دهد که شبیه سازی به صورت گسترده انجام گیرد، پس این دلیل نمی شود که شبیه سازی هایی که به صورت موردی انجام می شود، حرام باشد.

در مورد همزاد سازی، گفته شده که روایات معتبری دلالت بر حرمت از بین بردن نطفه و بیرون آوردن آن از رحم، در تمام مراحل وجودی نطفه دارد: حدیث اول: موثقه اسحاق بن عمار:

قال: قلت لأبي الحسن (ع): المرأة تخاف الجبل فتشرب دواء فتلقى مافي بطنها؟ قال: لا. فقلت: إنما هو نطفة. فقال: إن أول ما يخلق نطفة؛^۶ می گوید به امام کاظم (ع) عرض کردم: آیا زنی که از حاملگی می ترسد، می تواند دارو مصرف کند تا آنچه را در شکم دارد، سقط کند؟ فرمود: نه. عرض کردم: فقط نطفه است. فرمود: نخستین چیزی که آفریده می شود نطفه است.

حدیث دوم: صحیحۀ رفاعه:

قال: قلت لأبي عبد الله (ع): اشتري الجارية فربما احتبس طمئها من فساد دم أو ريح في رحم، فتسقى دواءً لذلك فتطمث من يومها، أفيجزلي ذلك وانا لا أدري من جبل هو أو غيره؟ فقال لي: لا تفعل ذلك. فقلت له: إنه إنما ارتفع

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۵، باب ۷ از ابواب القصاص فی النفس، ح ۱.

طمثها منها شهراً، ولو كان ذلك من حبل أتما كان نطفة كنفطة الرجل الذي يعزل. فقال لي: إن النطفة إذا وقعت في الرحم تصير إلى علقه ثم إلى مضغه ثم إلى ماشاء الله، وإن النطفة إذا وقعت في غير الرحم لم يخلق منها شيء فلا تسقها دواءً إذا ارتفع طمئتها شهراً و جاز وقتها الذي كانت تطمئ فيه؛^٧

به امام صادق (ع) عرض کردم: کنیزی خریدم گاهی به سبب بیماری در خون یا دردی که در رحم دارد، خون حیض نمی بیند، پس دارویی می خورد و همان روز حیض می شود. آیا این کار جایز است، در حالی که من نمی دانم حیض نشدن او به سبب حاملگی است یا به سبب دیگری؟ امام به من فرمود. این کار را مکن. عرض کردم: فقط یک ماه از عادت قبلی او گذشته است، اگر حامله هم بود، فقط نطفه ای در شکم داشت؛ مثل نطفه مردی که در بیرون از رحم می ریزد. فرمود: نطفه هرگاه در رحم قرار بگیرد، به علقه تبدیل می شود و بعد به مضغه و سپس به مراحل بعدی می رسد که خدا مقرر ساخته است. ولی از نطفه ای که در بیرون رحم باشد، چیزی خلق نمی شود. پس هرگاه پس از یک ماه از عادت قبلی او، وقت عادت جدیدش گذشته باشد، دارویی به او نخوران.

این دو روایت صریح اند در این که سقط آنچه می تواند منشأ بچه در رحم شود، حرام است، حتی اگر در حد نطفه باشد، بنابراین چون همزاد سازی غالباً موجب از بین بردن یک سلول از نطفه می شود، حرام است و باید از آن اجتناب ورزید.

ممکن است در جواب گفته شود همه سلول هایی که در رحم قرار دارند، معمولاً نمی توانند در عرض یکدیگر به مرحله تکون بچه برسند، بلکه تعداد کمی از آنها - مثلاً تنها یک سلول - تبدیل به بچه می شود. بنابراین، هرگاه آنچه با روش گذشته از رحم گرفته می شود، برخی از آنها می میرند و یکی از آنها تبدیل به بچه

٧. همان، ج ٢، ص ٥٨٢، باب ٣٣ از ابواب الحيض، ح ١.

می شود، همین مقدار پاسخگویی حرمت اسقاط و اعدام جنین است؛ زیرا معلوم نیست که بیشتر از یک سلول از آن سلول ها قابلیت بچه شدن را داشته باشد.

این پاسخ اگر درست باشد و نگوئیم از بین بردن هر سلولی که قابلیت ایجاد بچه را - ولو به صورت علی البدل - داشته باشد، برای اثبات حرمت این عمل کافی است، با اشکال دیگری مواجه است و آن احتمال مرگ همه سلول ها در این عمل و به سرانجام نرسیدن باروری است. بنابراین، در این روش، موفقیت عملیات در همه موارد تضمین نمی شود و علم فقط موفقیت در برخی موارد را اثبات کرده است. این راه دیگری برای اثبات حرمت است و برای ضرورت اجتناب از شبیه سازی کافی است.

البته این عمل حرام در هر دو تقریب، از مقدمات رسیدن به همزاد سازی است، ولی به مقتضای روایات، خود همزاد سازی حرام نیست.

دوم: حکم نتایج و پیامدهای شبیه سازی

در هریک از اقسام شبیه سازی نتایجی به دست می آید که جداگانه احکامشان بررسی می شود:

حکم شبیه سازی عضو: نتیجه شبیه سازی تقلیدی، به دست آوردن عضو جدیدی مثل پوست است. بدون شک در مورد انسان، از این عضو جدید برای درمان کسی که سلول از آن گرفته می شود، می توان استفاده کرد. جای توهم این شبهه نیست که بدون رضایت صاحب عضو استفاده از آن حرام است. اگر هم احتمال حرمت چنین درمانی داده شود اصل براءت آن را دفع می کند. همچنین شکی نیست که از این عضو می توان برای درمان بستگان شخص صاحب سلول و یا دیگران با رضایت یا با خریدن از وی، استفاده کرد.

ممکن است گفته شود: عضو جدید اگر مشتمل بر گوشت و خون باشد همانند اعضایی که از انسان زنده جدا می شود، نجس است.

بدون شک روایاتی که در مورد نجاست اعضای جدا شده از انسان وارد شده است،^۸ شامل عضو شبیه سازی شده نمی شود، بنابراین اگر در طهارت و نجاست آن شک کنیم، با اجرای اصل طهارت، اشکال برطرف خواهد شد. این در صورتی است که اصل طهارت را در چنین موردی که نجاست یک شیء از ابتدای امر، مشکوک است، جاری بدانیم، اما اگر بر اساس اشکالی که استاد شهید صدر در چگونگی قرائت «قدر» در جمله «حتی تعلم انه قدر» کرده اند اصل طهارت را در چنین مواردی جاری ندانیم، می توان گفت صرف شک در طهارت و نجاست، برای اجرای اصول ایمنی بخش از حکم نجاست کافی است.

حکم همزاد سازی: بدون شک فرزندان که از راه شبیه سازی به طریقه همزاد سازی به دنیا می آیند، دوقلو یا چند قلوهایی محسوب می شوند که پدر و مادرشان یکی است؛ همانند سایر برادران و خواهرانی که به صورت طبیعی به دنیا می آیند. نسبت آنها با سایر بستگان نیز همین گونه است.

بله، این بحث وجود دارد که نسبت این طفل با زنی که آن را در رحمش پروراند و از تخمک او نبوده، - به آن مادر نگهدارنده گفته می شود - چگونه است؟ می توان گفت: مادر شرعی، این زن است، نه زن صاحب تخمک که ما آن را مادر حقیقی نامیدیم، به دلیل این کلام خدا که فرمود:

إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَكَلْنَهُمْ؛^۹

مادران نشان کسانی اند که آنها را زاییده اند.

بر این اساس، چه در مورد همزاد سازی و چه موارد دیگر، گفته می شود که از نظر شرعی، مادر حقیقی، مادر نگهدارنده است. مرحوم آیت الله خوئی در جواب سؤالی در کتاب «مسائل و ردود» به این حکم تصریح می کند:

۸. ر. ک: وسایل الشیعه، ج ۱۶، باب ۲۴ از ابواب صید، باب ۳۰ از ابواب ذبائح.

۹. سوره مجادله، آیه ۲.

سؤال: الف) مردی چون همسرش نمی تواند حامل جنین شود، نطفه خود را با توافق با زن اجنبی در مقابل مبلغی معین، به وسیله دستگاه های پزشکی در رحم زن اجنبی قرار می دهد. نطفه مزبور از منی مرد و همسر شرعی او شکل گرفته است و زن اجنبی فقط ظرف حامل آن محسوب می شود. مشکلی که به وجود آمده، این است که زنی که برای حمل اجیر شده بود، بچه ای را که در رحم خود رشد داده، می خواهد. نظر شما در این مسئله چیست؟

پاسخ: با سمه تعالی، زنی که منی در رحمش قرار گرفته، مادر شرعی بچه است. مادر، کسی است که بچه را به دنیا می آورد؛ چنان که کلام خدا این گونه اقتضا دارد: «الذین یظاهرون منکم من نسائهم ما هنّ أمهاتهم إن أمهاتهم إلا اللاتی ولدنهم؛ کسانی که با زنانشان ظاهر می کنند، این زنان، مادرانشان نیستند، مادرانشان فقط زنانی هستند که آنها را زاییده اند». صاحب نطفه، پدر این بچه است، اما همسرش مادر او نیست. بنابراین زن مزبور از جهت حق حضانت، این حق را دارد تا دو سال بچه را در اختیار بگیرد، واللّه العالم
 ب) حکم بچه از جهت میراث و از جهت فامیلی چگونه است؟
 با سمه تعالی، تمام احکام سببی و نسبی را در مورد پدر و مادرش داراست، واللّه العالم.^{۱۰}

این نظر، تمام نیست؛ زیرا بدون شک از نظر عرف مادر حقیقی، زن صاحب تخمک است. معیار مادر بودن در میان عقلا روشن است و آن اینکه نطفه از تخمک او باشد؛ همان گونه که پدر کسی است که بچه از سلول های او به وجود می آید. آیه ای که به آن اشاره شده نیز بر غیر از این دلالت ندارد. ظاهر سیاق آیه در صدد تعریف مادر به صورت تبعیدی نیست، بلکه در مقام بیان این نکته است که مادر حقیقی برای مردی که زن خود را ظاهر کرده، مادری است که او را به دنیا آورده

است، نه زنی که او راظهار کرده و گمان می کند که همانند مادر او است. برخی گفته اند: مادر نگهدارنده، به منزله مادر رضاعی است و با دو مقدمه در صدد اثبات این مدعا بر آمده اند:

مقدمه نخست: طبق اصل رضاع، اگر زنی بدون آنکه بچه را در رحم نگهداری کند و آن را به دنیا آورد، فقط به او شیر داده باشد، بدون شک همین شیردادن خویشاوندی رضاعی ایجاد می کند و جایگزین خویشاوندی نسبی می شود.

مقدمه دوم: تأثیری که مادر نگهدارنده در رشد گوشت و خون و استخوان طفل دارد، بسیار بیشتر از تأثیری است که در رشد آن از راه شیردهی به وجود می آید. پس می توان ادعا کرد که از نظر عرف تأثیر آن در ایجاد نسبت مادری، اولویت دارد.

پاسخ این ادعا آن است که تمام ملاک در ایجاد خویشاوندی رضاعی که جایگزین خویشاوندی نسبی است، رشد گوشت و بدن طفل از رضاع نیست، بلکه شرایط تبعیدی دیگر نیز دارد؛ مثلاً روایت صحیح السند دلالت می کند که اگر زنی بدون زاییدن فرزندی شیرش جاری شود و با آن طفلی را شیر دهد، موجب محرمیت نمی شود. این حکم صریح صحیحه یونس بن یعقوب است.^{۱۱} روایت موسی بن عمر بصری نیز به همین مضمون است، ولی از نظر سند کامل نیست.

همچنین همه فقهای ما فتوا داده اند که شیری که از زنا تولید می شود، موجب محرمیت نمی شود. نیز نصوص کاملی در باب «ما یحرم بالرضاع» دلالت می کنند بر آنکه ملاک محرمیت، شوهری است که شیر زن از اوست، نه خود زن.^{۱۲} در این جا به نقل روایت نخست این باب اکتفا می کنیم. در صحیحه برید عجلی آمده است:

سألت أبا جعفر (ع) عن قول رسول الله (ص): «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب». فسرّ لي ذلك. فقال: كل امرأة أرضعت من لبن فحلها ولد

۱۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۰۲، باب ۹ از ابواب ما یحرم بالرضاع، ح ۱ و ۲.

۱۲. همان، باب ۶ از ابواب ما یحرم بالرضاع.

امراة اخرى من جارية او غلام فذلك الذي قال رسول الله (ص)، وكل امرأة ارضعت من لبن فحلبين كانا لها واحداً بعد واحد من جارية او غلام فإن ذلك رضاع ليس بالرضاع الذي قال رسول الله (ص): يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب، واما هو نسب ناحية الصهر رضاع ولا يحرم شيئاً، وليس هو سبب رضاع من ناحية لبن الفحولة فيحرم؛^{۱۳}

از امام باقر(ع) خواستم تا اين كلام رسول خدا را براي من تفسير کند که فرمود: «آنچه از طريق نسب حرام می شود، از طريق رضاع نیز حرام می شود». فرمود: «اين سخن رسول خدا(ص) در مورد زنی است که پسر يا دختر زن ديگر را از شير شوهرش، شير دهد، اما زنی که دو شوهر یکی پس از دیگری داشته، اگر پسر يا دختری را شير دهد، اين رضاع، آن رضاعی نیست که رسول خدا(ص) در مورد آن فرموده است: «آنچه از طريق نسب حرام می شود از طريق رضاع نیز حرام می شود». اين شيردهی، سبب خویشاوندی از ناحية مادر است و موجب حرمت نمی شود و سبب خویشاوندی از ناحیه شوهر نیست تا موجب حرمت شود.

البته دو روایت یافت شده که دلالت دارند بر آنکه یکی بودن مادر همانند یکی بودن شوهر (صاحب شير) موجب محرمیت می شود:

نخست؛ روایت محمد بن عبیده همدانی است که فرد مجهولی است.

قال: قال الرضا(ع): ما يقول اصحابك في الرضاع؟ قال: قلت: كانوا يقولون: اللبن للفحل حتى جاءتهم الرواية عنك انك تحرم من الرضاع ما يحرم من النسب، فرجعوا إلى قولك، قال: فقال: وذاك ان امير المؤمنين (يعني المامون) سألني عنها البارحة فقال لي: اشرح لي «اللبن للفحل» وانا اكره الكلام. فقال لي: كما انت حتى أسالك عنها، ما قلت في رجل كانت

۱۳. همان، باب ۶ از ابواب ما يحرم بالرضاع، ح ۱.

له امهات اولاد شتی فارضعت واحده منهن بلبنها غلاماً غريباً، اليس كل شيء من ولد ذلك الرجل من امهات الاولاد الشتی محرماً على ذلك الغلام؟ قال: «قلت: بلى». قال: فقال أبو الحسن (ع): «فما بال الرضاع يحرم من قبل الفحل ولا يحرم من قبل الامهات؟ وإنما الرضاع من قبل الامهات وإن كان لبن الفحل ايضاً يحرم»؛^{۱۴}

امام رضا(ع) به من فرمود: «ياران تو در مورد رضاع چه می گویند؟» گفتم: آنها می گفتند شیر برای شوهر است، تا اینکه روایتی از شما رسید مبنی بر آنکه شما هر آنچه را با نسب حرام می شود، در اثر رضاع نیز حرام می دانید. پس آنان به سخن شما رجوع کردند. سپس امام فرمود: امیرالمؤمنین (مامون) دیشب همین مسئله را از من پرسید و خواست تا برایش شرح دهم که «شیر برای شوهر است» یعنی چه. من مایل به سخن در این باره نبودم. او گفت: باش تا از تو پرسم، سپس گفت: مردی است که فرزندان از زنان متعدد دارد، حال اگر یکی از زنان او به پسر بچه غریبی شیر دهد، آیا همه فرزندان این مرد از مادران دیگر با این پسر محرم نمی شوند؟ گفتم: بله. محمد بن عبیده می گوید: سپس امام(ع) فرمود: چگونه است که رضاع از جانب شوهر موجب محرمیت می شود، اما از جانب مادران موجب محرمیت نشود؟ رضاع فقط از جانب مادران است؛ اگر چه شیر از جانب شوهر نیز موجب محرمیت می شود.

این روایت از نظر سند ساقط است به علاوه بوی تقیه از آن می آید. روایت دوم موثقه جمیل بن درآج است از امام صادق (ع):

إذا رضع الرجل من لبن امرأة حرم عليه كل شيء من ولدها وإن كان من غير الرجل الذي كانت أرضعته بلبنه، وإذا رضع من لبن رجل حرم عليه كل

۱۴. همان، ص ۲۹۶، باب ۶ از ابواب مایحرم بالرضاع، ح ۹.

شيء من ولده وإن كان من غير المرأة التي ارضعته؛^{۱۵}

اگر شخصی از زنی شیر بخورد، همه فرزندان آن زن محرم او می شوند، حتی اگر از شوهری نباشند که این زن از او شیر داده است، اگر شخصی از شیر متعلق به شوهری بخورد، همه فرزندان آن مرد بر وی محرم می شوند، حتی اگر از زنی که شیر داده است نباشند.

البته معروف فقیهان فقط به قول نخست عمل کرده اند، بنابراین در باب رضاع، یکی بودن مادر موجب محرمیت نمی شود تا بحث شبیه سازی به طریق اولویت، حمل بر آن شود.

حکم شبیه سازی انسان: در شبیه سازی تقلیدی از انسان است که - اگر علوم در آینده به چنین پیشرفتی برسند - طفل شبیه سازی شده یا فقط، پدر دارد و مادر ندارد، یا فقط مادر دارد و پدر ندارد؛ زیرا روشن شد تخمک زنی که از هسته خالی شده است، بیش از این در تکوین طفل تأثیری ندارد که سیتوپلازم آن غذای مناسبی برای رشد نطفه می شود. بنابراین نطفه حقیقی، هسته سلولی است که از عضو یک مرد یا زن - ولو همین زن صاحب تخمک - گرفته می شود. بر این اساس، شخصی که برای شبیه سازی از او سلول گرفته می شود، اگر مرد باشد، پدر این طفل و اگر زن باشد، مادر او محسوب می شود.

در مشروع بودن این پدر یا مادر، عقد شرعی شرط نیست؛ زیرا عقد شرعی در جایی لازم است که فرزند از طریق تلقیح سلول های جنسی به دنیا بیاید.

بدین ترتیب نسب این طفل از هر جهت روشن می شود و با اطلاق ادله نسب، تمام احکام نسب بر او مترتب می شود. فرض انصراف ادله نسب به نسب حاصل از ازدواج طبیعی، انصراف بدوی ناشی از آن است که در عصر صدور روایات، تنها از این طریق نسبت برقرار می شده است.

۱۵. همان، ص ۳۰۶، باب ۱۵ از ابواب ما یحرم بالرضاع، ح ۳.